



تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی تکرارهای زبانی و تکرار تصاویر هنری در

غزلیات سعدی

استاد راهنما:

دکتر محمد بارانی

استاد مشاور:

دکتر مریم خلیلی جهانتیغ

تحقیق و نگارش:

علی اصغر نسیم بهار

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

اردیبهشت ۱۳۸۹

این پایان نامه با عنوان بررسی تکرارهای زبانی و تکرار تصاویر هنری در غزلیات سعدی قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو علی اصغر نسیم بهار تحت راهنمایی استاد پایان نامه آقای دکتر محمد بارانی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

علی اصغر نسیم بهار

این پایان نامه ۴ واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ توسط هیئت داوران بررسی و درجه به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما: محمد بارانی		
استاد راهنما دوم:		
استاد مشاور:	مریم خلیلی جهانتیغ	
داور ۱:	عبد العلی اویسی	
داور ۲:	محمد علی زهرا زاده	
نماینده تحصیلات تکمیلی:	رضا رضایی	



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب علی اصغر نسیم بهار تأیید می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

علی اصغر نسیم بهار

تقدیم به:

پدر و مادرم که با تکرار نفس هایشان، شیرینی غزل زندگی ام را دو چندان می سازند.

سپاسگزاری

از همه دوستان و عزیزانی که مرا در تهیه و تدوین این رساله یاری رساندند ، به ویژه استادان محترم راهنما و مشاور که بیش از حد مسئولیت خویش مرا مورد لطف خویش قرار دادند سپاسگزارم .

چکیده:

شعر محل اجتماع اندیشه ها ، عقاید و عواطف است که در یک قالب موزون بیان می شود. یک شاعر در پی آن است که تراوشات و حالات درونی، روحی و یا عقاید خویش را به مخاطب منتقل کند تا بدینوسیله احساسات بالقوه ی مخاطب را به فعلیت برساند. از آنجا که شعر غیر ارادی از دل بر می آید، پس بدیهی است که شعر عالم ناخودآگاهی انسان است و عناصر شعری برخاسته از فضایی است که شاعر در لحظه ی سرودن شعر در آن قرار گرفته است. با این وجود قرار گرفتن شاعر در موقعیت های مشابه روحی باعث آفرینش سخنانی می شود که از نظر لایه های زبانی یا معنایی شباهت هایی با هم داشته باشند. شاعران بزرگ و خلاق این توانایی را دارند که مضامین ، تصاویر و به طور کلی عناصر یکسان زبانی را در شرایط یکسان به شیوه های مختلف بیان کنند که در هر بار چنان این موارد در جامه ای تازه عرضه می شوند که مخاطب در نگاه نخست به تکراری بودن آنها پی نخواهد برد. این تکرارها نه تنها موجب ایستایی و رکود شعر نیست بلکه نشان دهنده ی قدرت و هنر شاعر در بازآفرینی مضامین، تصاویر و به طور کلی عناصر یکسان زبانی می باشد، و باعث طراوت و پویایی اشعار می گردد. با توجه به این موارد این رساله با روش تحلیل بسامدی به بررسی تکرارهای زبانی و تکرار در تصاویر هنری غزلیات سعدی پرداخته است و در چهار فصل زیر تنظیم شده است:

۱ - فصل نخست که کلیات است و در آن به بیان مباحثی مثل غزل، تکرار و شرح زندگی سعدی پرداخته شده است.

۲- فصل دوم در مورد مضامین تکرار شونده در غزلیات سعدی است که بر اساس بیشترین بسامد تکرار بیان شده است.

۳- فصل سوم در مورد تصاویر و همچنین کنایات تکرار شونده در غزلیات وی است.

۴- فصل چهارم در مورد موسیقی بیرونی، کناری و درونی غزلیات سعدی است که در آن بسامد اوزان عروضی به کار رفته شده در غزلیات وی نیز بیان شده است. نتیجه ی تحقیق نیز در همین فصل آمده است.

کلمات کلیدی : سعدی - غزل - تکرار - مضمون - تصویر - کنایه - موسیقی بیرونی و کناری

۱	فصل اول: کلیات
۲	مقدمه
۳	سعدی شیرازی
۴	تکرار
۵	علم بیان
۶	شعرغنایی
۷	غزل
۸	شعر ساده، شعر مصنوع
۱۲	فصل دوم: تکرار در مضامین
۱۴	مهمترین مضامین تکرار شونده
۱۲۴	جدول مضامین
۱۲۵	بررسی مضامین
۱۲۷	فصل سوم: تکرار در تصاویر
۱۲۸	تصویر یا خیال
۱۲۹	تکرار در تصاویر هنری
۱۵۸	جدول و بررسی تصاویر تکرار شونده
۱۶۰	تکرار در کنایات
۱۶۱	کنایه

۱۶۲ کنایات تکرار شونده در غزلیات سعدی
۱۸۹ بررسی کنایات
۱۹۰ فصل چهارم : تکرار در موسیقی غزلیات سعدی
۱۹۱ موسیقی بیرونی
۱۹۲ اوزان و بحور عروضی غزلیات سعدی
۲۰۳ جدول بسامد بحور و اوزان عروضی غزلیات سعدی
۲۰۵ تحلیل و بررسی موسیقی بیرونی
۲۰۷ موسیقی کناری
۲۰۸ قافیه و تکرار آن در غزلیات سعدی
۲۱۶ ردیف و تکرار آن در غزلیات سعدی
۲۲۳ تحلیل و بررسی ردیف
۲۲۴ موسیقی درونی
۲۲۵ تکرار عوامل سازنده ی موسیقی درونی
۲۳۵ بررسی موسیقی درونی
۲۳۶ نتیجه گیری

فهرست علائم و نشانه های اختصاری

کلیات سعدی، ۱۳۶۵	سعدی
کلیات سعدی، ۱۳۸۴	سعدی

فصل اول

کلیات

مقدمه

شعر محل تجمّع عقاید، اندیشه‌ها، تخیلات و باورهاست، که در قالبی آهنگین بیان می‌شود. بنا براین هر شاعر برای القای عواطف و برای تأثیر گذاری بیشتر شعر خویش بر مخاطب، آنها را با تمهیدات هنری می‌آراید. عنصر تکرار شاعر را در رسیدن به این هدف یاری می‌رساند.

ایجاد هیجان در مخاطب، تنها با محتوا و مضمون انجام نمی‌گیرد. تکرار نیز موجب جنب و جوش و تحرک بیشتر واژگان می‌شود به گونه‌ای که واژه‌ها وقتی به صورت مکرر بیان شوند چه به صورت تکرار مضمون و چه به صورت تکرار لفظ، موجب افزایش تأکید عاطفی و تأثیر گذاری بیشتر آنها می‌شود.

شاعر برای القای عواطف خویش به مخاطب، و به طور کلی برای عاطفی کردن زبان، باید زبان خبری کلام خویش را به زبان عاطفی تغییر دهد زیرا زبان خبر قدرت نمایاندن عواطف و احساسات و قدرت عقده‌گشایی را ندارد، بنابراین یکی از شگردهای خاص تغییر زبان خبر به زبان عاطفی، مقوله‌ی تکرار است. به گونه‌ای که مثلاً وقتی شاعر بخواهد سرزمینی را توصیف کند که در آن درختان بسیار است با استفاده از عنصر تکرار، احساسات و عواطف واقعی خویش را اینگونه بیان می‌کند که «در این سرزمین همه درخت است و درخت» و چنانکه می‌بینیم این گونه تکرارها نه تنها باعث رکود در کلام نمی‌شوند بلکه به کلام تازگی و طراوت و احساس می‌بخشد. از آنجا که شعر حکم آه کشیدن را دارد و آه غیر ارادی از دل بر می‌آید پس بدیهی است که شعر عالم ناخودآگاهی انسان است و عناصر شعری برخاسته از فضایی است که شاعر در لحظه‌ی سرودن شعر در آن قرار گرفته است. با این وجود قرار گرفتن شاعر در موقعیت‌های مشابه روحی باعث آفرینش سخنانی می‌شود که از نظر لایه‌های زبانی یا معنایی شباهت‌هایی با هم داشته باشند که باعث به وجود آمدن نوعی تکرار در کلام می‌شود. ولی سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا این گونه تکرارها باعث ایستایی کلام می‌شود؟ در پاسخ باید چنین گفت که همه‌ی این موارد بستگی به قدرت خلاقیت و نبوغ یک شاعر دارد، اگر شاعری بتواند این مضامین و تصاویر یکسان را هر بار در جامه‌ای تازه عرضه دارد نه تنها کلام و شعر او از رونق نمی‌افتد بلکه نشان دهنده‌ی خلاقیت وی است.

با توجه به این، شاعران فارسی را می‌توان بر اساس، روانی گفتار، کاربرد تمهیدات هنری و خلاقیت ذهنی درجه بندی کرد. بررسی عناصر تکرار شونده و میزان کیفیت آنها در اشعار شاعران یکی از معیارهایی است که جایگاه آنها را در این طبقه بندی مشخص می‌سازد.

سعدی شیرازی:

افصح المتکلمین مشرف الدین مصلح شیرازی متخلص به سعدی، از بزرگ ترین ستارگان آسمان غزل فارسی در حدود سال ۶۰۶ هجری (صفا ، ۱۳۶۶ ، ج ۲: ۵۸۹) در شیراز پا به عرصه ی وجود نهاد و کلام وی تاکنون بر قلمرو غزل فارسی حکمفرمایی می کند .

محمد تقی بهار درباره ی سعدی چنین می گوید: «سعدی بزرگتر از آن است که لازم باشد در تعریف وی صرف وقت کنیم ، چه دفتری نیست که از ذکر جمیل و شرح احوال و بزرگواری او خالی باشد» (بهار ، ۱۳۴۹، ج ۳: ۱۱۱)

وی در ۱۴ سالگی برای اتمام تحصیلات ، به بغداد رفت . این سفر مقدمه جهانگردی های او بود . سفری که ۳۵ سال به درازا انجامید و وی را در ۴۹ سالگی به شیراز بازگرداند.

زرین کوب درباره طرز سخن سعدی می نویسد : « طرز سعدی بر پُر باری لفظ و نازکی معنی استوار است و علی الخصوص شیوه سهل و ممتنع در سخن او به سر حدّ اعجاز می رسد . معانی لطیف را سعدی در سهل ترین عبارت بیان می کند و کلام او از تعقید لفظی و معنوی خالی است .» (زرین کوب ، ۱۳۸۴ : ۷۸) سعدی فصاحت و روانی را بر هر صنعتی ترجیح می دهد ، به گونه ای که می توان بزرگ ترین صنعت او را همان سادگی و روانی شعر دانست . سعدی ذهن مخاطب را به حاشیه نمی کشاند ، بلکه وی همه توجه مخاطب را به معنای بیت ، جلب می کند . به گونه ای که در نگاه اول متوجه خیلی از صنایع شعری او نخواهد شد . دولتشاه سمرقندی ، سعدی را با لقب « املح المتکلمین » یاد می کند و می نویسد که دیوان شعر او را نمکدان شعر می دانند . (دولتشاه سمرقندی ، ۱۳۳۸ : ۱۵۲)

« اکنون سخن از مردی است که با ظهور خود و شیوه ی بی ماندش در سخنوری و سخن پردازی ، قرن ۷ هجری قمری را در میان قرون شعر و ادب ایران ، تشخیص و درخشندگی چشمگیری بخشید و هنوز پس از سپری شدن ۷ قرن ، ماندش نیامده است ، و زبان آن روزگار وی همچنان استوار ترین معیار اصیل فصاحت و بلاغت است.» (صبور، ۲۵۳۵:۴۹۸)

سعدی در سال ۶۹۰ هجری در شیراز وفات یافت و در همان جا به خاک سپرده شد.

تکرار:

تکرار در زیبایی شناسی هنر از مسائل اساسی است. کورسوی ستاره ها، بال زدن پرندگان، به سبب تکرار و تناوب است که زیباست. صداهای غیر موسیقایی و نامنظم را که در آن تناوب و تکرار نیست باعث شکنجه ی روح می دانند حال آنکه صدای قطرات باران که متناوباً تکرار می شود، آرام بخش است. انواع تکرار چه در شعر قدیم و چه در شعر جدید دیده می شود و اصولاً تکرار را باید یکی از مختصات سبک ادبی قلمداد کرد، در مورد تکرار و ارزش آن و گونه های مختلف آن جای یک کتاب تحقیقی در زبان فارسی خالی است. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۸۹)

به عقیده ی نگارنده ، انجام گرفتن یک کنش به صورت متوالی همراه با رعایت معین و منظم فاصله های زمانی یا عدم رعایت این فاصله ها را تکرار می گویند.

علمای بلاغت اسلامی درباره ی تکرار سخن گفته اما آنرا محدود به کلمه کرده اند، تکرار را عبارت می دانند از دوبار آوردن کلمه و در تعریف کثرت تکرار گفته اند: آوردن کلمه ای چندین بار در یک بیت یا کلام (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۳: ۱۰۸۵)

تفتازانی آوردن بیش از دوبار واژه را کثرت تکرار می داند؛ اما مولف کتاب «اصول علم بلاغت» بیش از سه بار را کثرت تکرار می داند و می نویسد که استعمال آن در نثر به مراتب زشت تر از نظم است. (همان: ۱۰۸۵) که البته چنان که خواهیم دید این چنین نیست.

در مطول آمده است که به عقیده ی بعضی (زنوزی) ذکر دو مرتبه تکرار است و ذکر چهار مرتبه و شش مرتبه کثرت تکرار (همان: ۱۰۸۶) به هر حال ملاحظه می شود که در بین علمای اهل بلاغت در مورد تکرار و کثرت آن اختلافاتی زیادی وجود دارد که نشان دهنده ی درست نشناختن مسأله تکرار است.

به هر حال قدما چون شناخت درستی از تکرار در زبان هنری نداشته اند، در بحث فصاحت از دید منفی به تکرار نگریسته اند و به طور مطلق از عیب بودن کثرت تکرار سخن گفته اند، اما در علم معانی بحث از بلاغت افزایی تکرار است در صورت مطابق بودن با مقتضای حال. در بدیع نیز با دید مثبت و زیبایی آفرینی بدون محدود کردن بارها به تکرار نگریسته اند، حال آنکه اگر کثرت تکرار مطلقاً عیب شمرده شود همه جا باید عیب باشد (همان: ۱۰۸۹) در این رساله علاوه بر تکرار های ظاهری به تکرار های محتوایی که شامل تکرار در مضامین

و موسیقی بیرونی می شود نیز پرداخته ایم و با کمی دقت و تامل در خواهیم یافت که تکرار در حیطه ی زبان عاطفی نه تنها عیب شمرده نمی شود بلکه نشان دهنده ی خلاقیت و وسعت فکر شاعر یا نویسنده می باشد.

علم بیان :

محمد هادی مازندرانی در تعریف بیان اینگونه می نویسد « و آن اصول و قواعدی است که به سبب معرفت آن ها به متکلم می تواند تعبیر از هر معانی به چند لفظ مختلف در وضوح و خفا داشته باشد ، یعنی می توان هر معنی که به خاطرش رسد ، چند عبارت ذکر کند همه دلالت بر آن معنی کنند به دلالت مطابقه و تضمن و التزام به حیثیتی که دلالت آن الفاظ و عبارات بر آن معنی بعضی واضح باشد و محتاج به دلیلی دیگر و قرینه ی خارجیه نباشد و معنی بعضی خفی باشد که بدون انضمام قرینه و دلیلی دیگر سامع منتقل به آن معنی نشود . منشأ و اختلاف دلالات در وضوح و خفا ، موجود بودن لفظی است و عدم وضع لفظی دیگر از برای آن معنی . «(مازندرانی، ۱۳۷۶:۲۴۳)

کزازی بیان را این گونه تعریف می کند: « بیان دانشی است که در آن از چگونگی بازگشت و باز نموده اندیشه ای به شیوه های گوناگون سخن می رود ، شگردها و ترفند های شاعرانه را بر می رسیم که سخنور ، با آرمان زیبا شناختی ، برای باز نمود اندیشه های خویش ، به گونه ای زیبا و هنری به کار می گیرد . «(کزازی، ۱۳۷۵: ۳۰)

ثروتیان معتقد است که زبان گزارش هنر و ادبیات دارای منطقی همچون منطق ریاضی است که بی دریافت درست آن شناخت معنی هنر مکتوب ، ممکن نمی گردد . او می نویسد: «در فن بیان است که معنی دوم بر اساس قانون های نهاده در صورت های خیالی قابل تشخیص است و تنها در این فن است که از ایراد معنی واحد به طرق مختلف بحث می شود . فن بیان و قواعد و قوانین آن در همه ی زبان ها و زمان ها یکی است و یکی بوده است و همچنان که با پیدایش هر زبانی ، قواعد دستوری آن زبان نیز خلق شده است و با آن زبان همراه بوده و رشد کرده است و می کند ، با پیدایش هنر ادبیات در هر زبان ، چهار شکل تشبیه ، مجاز ، استعاره و کنایه بیانگر ظهور هنر ادبیات از چشمه ی زبان بوده و با گذشت زمان به مانند همین شکل ها ، خود شکل گرفته و به سوی تکامل خویش روان است و همچون موجودی زنده به حیات خود ادامه می دهد . «(ثروتیان، ۱۳۸۳: ۷۰-۶۹)

صادقیان می نویسد: «بی کرانه ترین حوزه ی خلاقیت در ادبیات، علم بیان یا قلمرو صور خیال است. معانی در انحصار هیچ کس نیست و هر کس از دیدن مناظر زیبا به وجد می آید و از روبه رو شدن با صحنه های رقت بار و ناخوشایند زندگی، متأثر و متألم می شود. هر پدیده از پدیده های زندگی را می توان با نیروی تخیل با هزاران تصویر ارائه داد.» (صادقیان، ۱۳۷۱: ۱۳۲-۱۳۱)

خیال، عنصر و جوهر اصلی شعر است و از نیروی تخیل انسان ناشی می شود. هر شاعری با توجه به ذهن و خیال خود، تصاویر خیالی مخصوص به خود را در شعرش ارائه می دهد. چهار موضوع اصلی تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه، ستون های اصلی خیال را تشکیل دهند.

اشعار غنایی:

واژه ی غنا در زبان فارسی در مقابل واژه ی (لیریک lyrique) در زبان فرانسوی و (lyric) در زبان انگلیسی برگزیده شده است. نام گذاری دو واژه ی اخیر نیز به سبب انتساب به (لیر، lyra) گونه ای آلت موسیقی مانند چنگ صورت گرفته و اشعاری را که در یونان قدیم به همراه لیر خوانده می شده است را لیریک می نامیدند. (صبور، ۲۵۳۵: ۴۷) اگر آغاز پیدایی و زمان پدید آمدن نخستین جوانه های شعر غنایی را در اروپای قرون وسطی، حتی قرن دهم میلادی بدانیم، و دیرینگی اشعار غنایی را در زبان و فرهنگ عربی را تا آغاز قرن هفتم میلادی به عقب ببریم، باید گفت که باتوجه به سوابق و مدارک مستند و موجود، اشعار غنایی در ایران دارای دیرینگی بس بیشتری است. (همان: ۶۴)

غزل برجسته ترین گونه ی غنایی شعر فارسی به شمار می رود، پس از پایان قرن ششم تا ظهور سعدی که زبان سخنش در حدّ اعتلای شکوهمندی و فصاحت و بلاغت است به نام شاعر دیگری که در سیر و دگرگونی غزل موثر باشد بر نمی خوریم. (همان: ۴۹۸)

غزل

« غزل در اصل حدیث زنان و صنعت عشق بازی با ایشان و تهالک در دوستی ایشان است و مغازلت، عشق بازی با زنان گویند. رجل غزل یعنی مردی که متشکل باشد به صورتی که موافق طبع زنان باشد و میل بدو به سبب شمایل شیرین و حرکات ظریفانه و سخنان مستعذب بیشتر.» (شمس قیس، بی تا: ۴۱۵)

غزل « در اصطلاح شعرای فارسی ، اشعاری است بر یک وزن و قافیت ، با مطلع مصرع که حد معمول ما بین پنج بیت تا دوازده بیت باشد .» (همایی ، ۱۳۷۷: ۱۲۴) با این وجود سعدی غزلی به مطلع زیر دارد که دارای ۲۳ بیت است :

اینان مگر ز رحمت محض آفریده اند کارام جان و انیس دل و نور دیده اند (سعدی، ۱۳۸۴: ۱۶۶)

این غزل از نظر شکل و فرم که دارای ۲۳ بیت است ، بیشتر به قصیده شبیه است ، اما محتوای آن باعث شده آنرا غزل محسوب کنند . رستگار فسایی آنچه را که باعث اطلاق نام غزل بر قالبی معین می شود موضوع آن غزل می داند نه قالب ظاهری آن و می نویسد : « اگر شعر از لحاظ فنی به صورت غزل و از لحاظ معنی در موضوعی غیر از عشق و احساسات باشد ، در حقیقت غزل نیست و اگر شعری به شرح تمایلات عاشقانه بپردازد ولی غیر از صورت معمول غزل باشد ، در واقع غزل است . » (رستگار فسایی ، ۱۳۷۳: ۵۶۸)

« اولین غزل فارسی به شکل و معنی مصطلح آن در آثار شهید بلخی (وفات : ۳۲۵) و بعد رودکی (وفات : ۳۲۹) مشاهده می شود . » (شمیسا ، ۱۳۷۳: ۵۴) موضوع این قالب شعری تا قرن ششم بیشتر وصف بود . معمولاً شاعر به وصف ظواهر معشوق می پرداخت و توجه چندانی به اصل غزل که بیان هیجانات عشق و احساسات درونی عاشق بود نداشت . در قرن ششم ، غزل عاشقانه و عارفانه با سنایی شکل گرفت و در دو مسیر جدا به راه خود ادامه داد . از یک سو شاعرانی مثل خاقانی ، عطار و سرانجام مولانا در غزل عارفانه ، و از سوی دیگر ، شاعرانی مثل همام و امیر خسرو و حسن دهلوی و سرانجام سعدی در غزل عاشقانه ، شعر سرودند . شاعرانی نیز بین این دو مسیر در تلاش بودند که با آمیختن عشق و عرفان ، این دو مسیر را به هم متصل کنند . از جمله این شاعران ، خواجه کرمانی ، سلمان ساوجی و عماد فقیه کرمانی را می توان نام برد که به گروه تلفیق موسومند . سرانجام حافظ توانست این دو مسیر را به طور کامل و ماهرانه به هم بیامیزد .

به هر حال غزل از مشهورترین و صیقل یافته ترین قالب های شعری فارسی است . در غزل مثل برخی از قصاید ، بوی تملق و ریا احساس نمی شود . شاعر برای خوش آمد کسی آنرا نمی سراید . سخن دل اوست که با صداقت بیان می شود ، به همین خاطر نفوذ غزل بین مردم بیشتر از قصیده است . واژه های غزل از لطیف ترین واژه هاست که بار معنایی و غنایی زیادی دارند .

غزل تنها به بیان عشق و احساسات عاشقانه و عارفانه نمی پردازد ، بلکه این قالب ، این توانایی را دارد که بیشتر مسائل و مضمون های شعری مثل اوضاع اجتماعی ، فلسفی ، طنز ، مرثیه ، وصف و . . . را نیز در خود جای دهد . از نظر محتوایی چنان غنی است که می توان آنرا عصاره ی فرهنگ ایرانی دانست . بنابر این غزل فارسی آینه ای از تفکرات ، اندیشه ها و احساسات مردم ایران زمین است . با نگاهی گذرا به غزل فارسی می توان نتیجه گرفت که پاک ترین عواطف بشری از آن ایرانیان است.

شعر ساده ، شعر مصنوع

به راستی شعر ساده و روان و دور از تکلف زیباتر و ارزشمند تر است یا شعر مصنوع و مملو از تکلفات شاعرانه ؟ « شکلوفسکی معتقد است هنر باید فوت و فن های ادبی خود را برای خواننده افشا کند . » (شمیسا ، ۱۳۸۱ : ۱۵۲) از این دیدگاه اشعار شاعرانی مثل قافا آئی که موسیقی و صنایع لفظی آن کاملاً آشکار و حتی گاهی به ابتذال کشیده می شود باید ارزشمند تر از اشعار سعدی باشد که خواننده در نگاه اول مفتون روانی آن می شود !

فرید ریش شیلر (۱۸۰۳-۱۷۴۴) معتقد است سراینده ی شعر مصنوع هرگز به کمال شاعر ساده گو دست نخواهد یافت . زیرا هرگز نمی تواند به هدف خود که همانا کمال مطلوب و امر آرمانی است کاملاً دست یابد . وی می گوید : « شاعرانی از نوع ساده گو در عصر تصنع بیگانه اند . مشکل بتوان احتمال داد که در چنین دورانی ظهور کنند ، مگر آنکه در عصر خویش ، خود سری کنند و آنقدر خوش اقبال باشند که از اثرات فلج کننده آن مصون بمانند . » (ولک ، ۱۳۷۴ : ۲۹۸) در شعر فارسی این خوش اقبالی نصیب سعدی شد . وی با گریزی عمدی به سادگی و روانی ، به تصنعات و تکلفات هنری پشت پا زد و به موفقیت رسید .

زرین کوب درباره شعر امامی هروی که از همعصران سعدی بود می نویسد : « شعرش بیشتر بر انواع صنایع مثل ترصیع و جناس و ذوبحرین و جز اینها مشتمل است . هرچند سخن او به سبب اشتغال بر معانی عادی و مبتذل از تعقید لفظی خالی است و الفاظ و عبارات آن در واقع سهل و روان است لیکن به واسطه ی اعمال صنایع ، سخنش ، غالباً از لطف و شور خالی مانده است . » (زرین کوب ، ۱۳۸۴ : ۷۸)

اشعار ساده و روان ، شهرت و محبوبیت بیشتری نسبت به اشعار مصنوع می یابند . آنچنان که شعر سعدی ، بیشتر از اشعار خاقانی و نظامی در بین مردم رواج دارد .

شعر سعدی را سهل و ممتنع می دانند . شعر سهل و ممتنع شعری است که سرودن مثل آن آسان به نظر می رسد ، ولی در عمل غیر ممکن باشد . هرچند که اینگونه شعر ، ساده و بی آرایش به نظر می رسد ، اما به معنی سرودن به زبان تکلم و محاوره ای که فاقد جنبه های ادبی باشد نیست . شاعر در این گونه اشعار تا جای ممکن از پیچیدگی معنا و استعارات دور از ذهن و اغراق های غیر قابل باور دوری می کند . به راستی که شعر سعدی نمونه کامل سهل و ممتنع است . سادگی زبان او یعنی قابل فهم بودن اشعارش برای همه مخاطبان ، نه عاری بودن از صنایع و تخیلات لطیف و زیبایی شاعرانه .

شعر مصنوع ، سرشار از تشبیهات بدیع و غریب و اصطلاحات علمی و نجومی و اشاره به افسانه و اسطوره و کاربرد کنایات و استعارات دور از ذهن و تناسب های لفظی و . . . است . شاعر مصنوع سرا ، قدرت سخنوری خود را در این عرصه ها نشان می دهد . شعر مصنوع ، شعر خواص است . مخصوص یک قشر تحصیل کرده که برای فهمیدن و لذت بردن از آن ، باید ابتدا در علم های گوناگونی سر رشته داشته باشند ، سپس به خواندن چنین اشعاری بپردازند .

در پایان باید گفت که گوینده شعر ساده و روان به مراتب کاری دشوارتر از یک شاعر مصنوع سرا دارد . زیرا هر لحظه ممکن است به ورطه ی ابتذال و زبان روزمره و فاقد جنبه های هنری سقوط کند . از سوی دیگر یک شاعر مصنوع سرا ، تنها با تکلفات شاعرانه و التزام به صنایع دشوار ادبی و استفاده از موسیقی واژگانی و تناسب های لفظی ، به شهرتی نخواهد رسید . مضامین عمیق ، پشتوانه فرهنگی ، آگاهی از دانش های گوناگون و استفاده بجا از آنها ، دوری از کاربرد تصاویر کلیشه ای و مبتذل و . . . مواردی است که با آنها می تواند شعر خویش را غنا بخشد .

هدف تحقیق :

نشان دادن قدرت خلاقیت و نبوغ سعدی در به کار گیری و باز آفرینی مضامین یکسان و همچنین بررسی عناصر تکرار شونده در حیطه ی تصویر ، موسیقی بیرونی و کناری، درونی و به طور کلی بررسی تکرارهای زبانی و

تکرار تصاویر هنری در غزلیات سعدی که باعث شناخت بهتر و بیشتر عقاید و اندیشه های وی می شود. و علاوه بر این، به وجود آوردن مرجعی برای شناخت بهتر و علمی تر افکار و عقاید سعدی در غزلیاتش.

پیشینه و اهمیت تحقیق :

در بررسی ها و مطالعات صورت گرفته پیرامون «بررسی تکرارهای زبانی و تکرار تصاویر هنری در غزلیات سعدی» هیچ مورد مشابهی یافت نشد، لیکن مقاله ها، پایان نامه ها و پژوهش هایی یافت شد که با بخش هایی از موضوع تحقیق نزدیک بودند و از هریک از این پژوهش ها در جایگاه و زمینه پژوهشی آنها ایده های خوبی گرفتیم. از آنجا که سعدی از بزرگترین شاعران فارسی زبان است که اشعار او مورد استقبال بسیاری از شاعران قرار گرفته است، ضرورت چنین تحقیقی بیشتر احساس می شود.

روش انجام تحقیق:

ابتدا با مطالعه ی بسیار دقیق و موشکافانه ی دیوان غزلیات سعدی، مضامین و تصاویر تکرار شونده در غزلیات وی را استخراج کرده، سپس برای بررسی، آنها را بر اساس بیشترین بسامد تکرار دسته بندی کرده ایم. پس از انجام این مرحله به استخراج کنایات تکرار شونده در غزلیات سعدی پرداخته و به فرهنگهای کنایی و منابع مربوط به امثال و حکم مراجعه و توضیحاتی در زمینه معنا، کاربرد و خاستگاه آنها یافته و بیان کرده ایم. بعد از انجام این مرحله، به بررسی موسیقی بیرونی و کناری و درونی در غزلیات وی پرداخته و اوزان و بحور و همچنین قافیه و ردیف های تکرار شونده را استخراج و با ذکر نمونه هایی بسامد آن را اعلام کرده ایم.

سوالات تحقیق:

در این رساله سعی بر آن است که به این سوالات پاسخ دقیق تری داده شود:

۱- تکرار چیست؟

۲- آیا در غزلیات سعدی از عنصر تکرار استفاده شده است؟

۳- بیشترین مسأله تکرار شونده در غزلیات وی کدام است؟

۴- آیا مضامین و تصاویر تکرار شونده در غزلیات سعدی باعث رکود و ایستایی شعر وی شده یا به شعر او طراوت و پویایی بخشیده است؟

۵- سعدی در شعر خویش چه مقدار از عنصر بلاغی کنایه استفاده کرده است؟

۶- بیشترین وزن و بحر به کار رفته در غزلیات وی کدام است و دلیل تکرار بیشتر بعضی اوزان و بحور عروضی در شعر سعدی چیست؟